

خانوادگی نمی‌شوند که باعث ایجاد نقطه ضعف در فیلمنامه می‌شد. اما صدرا حسینی به عنوان قهرمان سریال باز پرس، می‌تواند عصبانی شود، شوخی کند، اشتباه کند و ...

نویسنده فیلمنامه مجموعه رد خون در پاسخ به این سوال که برخی منتقدان نسبت به خرده‌روایت‌های سریال نقد دارند و برخی موضوعات مورد تحقیق که را می‌شوند و ... می‌گوید: به جز نقدهای اصولی و دارای ساختار، این جنس نقدها را قبول ندارم.

وقتی یک نفر به زعم خودش نقد می‌نویسد که یک سریال سی و چند قسمتی می‌توانست در هشت قسمت تعریف شود، یعنی کمترین ورودی به عرصه نمایش ندارد و دنبال چیز دیگری است. شاخه‌های فرعی، حتما کار کردی دراماتیک در پیشبرد قصه دارند. اما سوای این نوع نگاه‌ها، نقدهای اصولی را می‌پذیرم. خودم نقد پذیر هستم و خودم را نقد می‌کنم. مثلا اگر قابلیت بازگشت به عقب را داشتم، در قسمت‌های ابتدایی تجدید نظر می‌کردم چرا که با دیدن سریال متوجه شدم که می‌شد دو قسمت اول به نحو دیگری طراحی شود و به موضوع اصلی از طریق و شکل دیگری ورود می‌کردیم. وی در رابطه با جذابیت پرورده‌های امنیتی یا قضایی برای مخاطب نیز این گونه توضیح می‌دهد: مشخص است که فیلمنامه‌نویسی در زمینه پرورده‌های امنیتی و قضایی جذاب است. دلیلش این است که در این پرورده‌ها به مسائلی پرداخته می‌شود که از تخیل در نمی‌آیند و مسائل واقعی هستند. همین واقعی بودن برای مردم ملموس و نزدیک به زندگی روزمره است. همچنین به نظر همین که فارغ از کیفیت، وزارت اطلاعات تعداد زیادی سریال در حوزه پرورده‌های امنیتی و قضایی ساخته و به تصویر آورده، خوب است، اما تاکنون قوه قضاییه به صنعت فیلم و سریال سازی ورود نکرده بود.



به جز نقدهای اصولی و دارای ساختار، این جنس نقدها را قبول ندارم. وقتی یک نفر به زعم خودش نقد می‌نویسد که یک سریال سی و چند قسمتی می‌توانست در هشت قسمت تعریف شود، یعنی کمترین ورودی به عرصه نمایش ندارد و دنبال چیز دیگری است



نویسنده سریال باز پرس: ورود قوه قضاییه به صنعت سینما و تلویزیون با «باز پرس»

حسین تراب نژاد، سابقه حضور در پروژه تولید آثاری همچون آبادان یازده ۶۰، خانه امن، ماجرای نیمروز ۲، رد خون، دارکوب، گیله وا، فوق سری، دختر گمشده، شوق پرواز و... را در کارنامه هنری خود دارد. از جمله افتخارات حسین تراب نژاد می‌توان به نامزدی دریافت تندیس حافظ برای سریال پرده نشین، دریافت جایزه پاس زرین از جشنواره فیلم پاس برای فیلم مردان آفتاب و دریافت دیپلم افتخار جشنواره پاس برای فیلم تلویزیونی یک نفر تا مرگ است. او همچنین نویسنده سریال باز پرس را بر عهده داشته است. گفتگوی این نویسنده با ماهنامه صبا را در ادامه می‌خوانید.

تراب نژاد در پاسخ به این سوال که طرح اولیه فیلمنامه باز پرس از کجا شکل گرفت، می‌گوید: حدود دو سال پیش محمدرضا شفیعی تهیه‌کننده این سریال قرار گذاشت تا با محوریت شخصیت باز پرس، سریالی تولید شود. از ابتدا سوژه مشخصی سفارش داده نشده بود و از این جهت، دست ما باز بود. به همین منظور ما با همکاری مرکز رسانه قوه قضاییه با تعدادی از بازپرسیانی که در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کردند، به گفت‌وگو نشستیم و با آنها درباره مفاسد اداری، اقتصادی و پرورده‌های جنایی و... صحبت کردیم. در نهایت چند پرورده جذاب به دستمان سپرده شد که از آنها می‌توان به پرورده بانک سرمایه، پرورده سلطان قیر و پرورده‌های اقتصادی از این جنس اشاره کرد. پیشنهاد دادیم که برای تولید سریال، روی پرورده مفاسد اقتصادی کار کنیم و قوه قضاییه نیز از پرداختن به رویکرد مبارزه با مفاسد اقتصادی استقبال کرد. سپس روی کار تحقیقی جدی تر متمرکز شدیم و نگارش فیلمنامه «باز پرس» شروع شد. وی درباره تفاوت‌های نگارش این سریال با سریال‌های دیگری که در کارنامه دارد این گونه توضیح می‌دهد: تفاوت «باز پرس» با دیگر آثارم، این است که از ابتدا قصد داشتیم سوه‌های اجتماعی داستان پر رنگ باشد و به واکاوی شخصیت‌هایی که ظلم می‌کنند، کاراکترهایی که به آن‌ها ظلم می‌شود و شخصیت‌هایی که پرورده‌ها را بررسی می‌کنند، بپردازیم.

در سریال‌های مذکور من به عنوان نویسنده خیلی این فرصت را نداشتم که جنبه‌های اجتماعی ماجراها را در حد توان خودم بررسی کنم، هر چند سفارش دهنده هم تمایلی به این جنس داستان‌ها نداشتم. همچنین در مورد شخصیت‌پردازی‌ها هم در این سریال نسبت به سریال‌هایی که اشاره کردید، دست ما باز تر بود. در آن سریال‌ها کمتر به زندگی خانوادگی و مسائل شخصی مأموران پرداخته بودیم. مثلا در «خانه امن» سعی کردیم کمی از این شخصیت‌پردازی را داشته باشیم ولی در دیگر کارها نیروهای امنیتی تبدیل می‌شدند به کاراکترهایی که دچار مسائل احساسی و

واقع باعث می‌شود یادماند برای رسانه‌ای کار می‌سازم که خیلی از بزرگان حرفه ما که شاید الان در تلویزیون نباشند ولی با تلویزیون معروف شدند هم آثارم را می‌بینند. رسانه ملی اصالت و برای من ارزش دارد. می‌دانم خیلی از بزرگان با تلویزیون شروع کردند و در تلویزیون شناخته و معروف شدند برخی از دوستان بی‌انصاف هستند و مسیری که تلویزیون برای خیلی از هنرمندان بزرگ‌مان چسه کارگردان، تهیه‌کنندگان و چه بازیگران داشته را نمی‌بینند. تلویزیون جای مقدسی برای من است برای همین سعی کردم کارهای ارزشمند بسازم و بخش کارم از تلویزیون هنوز هم برایم احساس غرور می‌آورد. کارگردان مجموعه سر جوخه با اشاره به مهمترین نیازهای رسانه ملی این گونه توضیح می‌دهد: اصولا تلویزیون باید سعی کند که از نیروهای جوان استفاده کند و بداند که استعدادهای جوان به جعبه جادویی خون تازه تزریق می‌کنند، اما نباید هیچ‌وقت پیشکسوت‌هایی را که در تلویزیون کارهای زیادی ساخته‌اند، از یاد ببرند. به نظر من اصولا سریال سازی چه از لحاظ ساختار اثر و چه از لحاظ پیش تولید و نگارش یک فیلمنامه کار بسیار سخت و پیچیده‌ای است که به تجربه احتیاج دارد. کارهای تلویزیونی مثل پرورش و آموزش جوان‌هایی که تازه در حوزه کارگردانی سریال ورود می‌کنند، نیاز به فرمول و فوت و فن دارد. اصولا باید تلویزیون مدیریتی داشته باشد که خون تازه تزریق کند اما باید کارهایی را به جوان‌ها واگذار کند تا آن‌ها به خوبی بتوانند تجربه کسب کنند. وی اضافه می‌کند: با تجربه می‌توانی ضرب خطاها را کم کنی چرا که اگر کارگردان باشی و همه بخش‌های تولید را بلد نباشی نمی‌توانی کارگردان خوبی باشی. معتقدم آرام آرام باید نیروهای جوان را به صداوسیما تزریق کرد و مهمترین کار نوشتن متن خوب و پر مغز است.

تلویزیون خانه امن من است

معمولی با اشاره به پیشنهادهایی که از شبکه‌های نمایش خانگی داشته، نیز می‌گوید: همیشه می‌گویم رقابت خوب است اما باید رفاقت در کنار آن باشد. در رسانه‌های خانگی پیشنهادهایی داشتم اما بستر مناسب و فیلمنامه خوب ندیدم. به عنوان کارگردانی که ۲۵ سال است برای تلویزیون کار می‌سازم حس غرور دارم که اثرم از تلویزیون پخش شود. چه چیزی از این ارزشمندتر است که با مخاطبان حتی در دورترین شهرستان‌ها هم ارتباط داشته باشید و هیچ چیزی از این برای هنرمند زیباتر نیست که اثرش دیده شود و مورد تشویق قرار بگیرد، اما یک سری از کارها در رسانه‌های خانگی یک مقدار عجولانه ساخته می‌شود و ماندگاری ندارد. برای من تلویزیون خانه امن است و جایگاه بالا دارد و این علاقه‌مندی از درونم می‌آید و همیشه برای کار در تلویزیون مشتاق تر از پیش می‌شوم.